

بسم الله الرحمن الرحيم

امیر مؤمنان ع می فرمایند: **إِنْتَهَزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ، فَإِنهَا تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ** (مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸، ۱۲: ۱۴۲)

در موضوع «اغتنام فرصت» روایات زیادی داریم، هرچند این دست از مطالب، نیازی به روایت ندارد و صدور آن از پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان علیهم السلام از شان نبوت و امامت نیست بلکه از این جهت که مصلح اجتماعی هستند، صادر شده است.

فرصت‌ها، همانند گذر ابرها و تیرهای رها شده از چلّه، با سرعت درگذرند و آنچه مهم است جهت گیری انسان در مقابل این فرصت‌ها است.

مکاتب مختلف، در قبال این موضوع، جهت گیری های گوناگون دارند، در نظام انسان محوری (Humanism)، فرصت‌ها، عنوان حق و نوعی برخورداری را دارند و انسان در هر جهت که بخواهد میتواند به مصرف برساند، در این اندیشه، انسان، از چنان حقی برخوردار است که می تواند فرصت ها را بسان خاکستر، به باد دهد و حتی می تواند بگوید: ما میخواهیم احمق باشیم، چنانکه گفته اند.

در مکتب خدامحور اسلام، اغتنام فرصت، به عنوان یک تکلیف مطرح شده است و بنده قدم از قدم بر نمی دارد، مگر آنکه از فرصت هایی که در اختیار او قرار گرفته، پرسش می کنند.

(میزان الحکمة، ۹: ۹۶) **مَنْ فُتِحَ لَهُ بَابٌ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيَنْتَهِزْهُ ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَتَى يُغْلَقُ عَنْهُ** پیامبر گرامی اسلام می فرمایند:

هر کس که دری از خیر به رویش گشوده شود، باید آن را غنیمت شمرد؛ زیرا که نمی داند آن در چه

وقت به رویش بسته می شود.

دوستان گرامی! ما مکلفیم که فرصت ها از دست نرود لذا چند مورد از فرصت ها را یاد آوری می کنیم:

۱/ عمر و جوانی

یکی از فرصت ها، عمر است؛ به ویژه مقطع جوانی که از آن دو مرتبه، پرسش می کنند، یکبار در ضمن کل عمر و باری دیگر خاص این مقطع، پرسش میکنند؛ چرا که از حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند: لَا تَزُولُ قَدَمَا عَبْدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسْأَلَ عَنْ أَرْبَعِ عَن عُمُرِهِ فِيمَا أَفْنَاهُ وَ عَن شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ وَ عَن مَالِهِ مِمَّنْ آيِنَ أَوْ كَتَسَبَهُ وَ فِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَن حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ

انسان، در روز قیامت، قدم از قدم بر نمی دارد، مگر آن که از چهار چیز پرسیده می شود: از عمرش که چگونه گذرانده است، از جوانی اش که چگونه سپری کرده، از ثروتش که از کجا به دست آورده و چگونه خرج کرده است و از دوستی ما اهل بیت (امالی(صدوق) ص ۳۹ - خصال ج ۱، ص ۲۵۳).

۲/ امکانات تبلیغی

با گسترش وسایل ارتباط جمعی، زمینه برای رساندن معارف فطری دین، فراهم است و سرعت گسترش، به اندازه ایست که برای خود گوینده، قابل رصد نیست.

در این قسمت مناسب است که چند نمونه از مصادیق اغتنام فرصت در عرصه تبلیغ را بیان کنم:

۱/ شیخ محمدحسین غیب شاه و آفریقای جنوبی

شیخ محمدحسین غیب شاه ، شیعه بوده، و ۷ قرن قبل، از هند با کشتی های بادی ۹ هزار کیلومتر مسیر را طی می کند و به شهر ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی که شهر مهم آن زمان بوده، می رود و بدون این که اعلام کند شیعه است، به عنوان یک عالم اسلامی شروع به تبلیغ اسلام می کند.

انگلیسی ها که آن دوران بر آفریقای جنوبی تسلط داشتند، می فهمند که یک مبلغ اسلامی آمده و دارد

اسلام را تبلیغ می‌کند؛ لذا او را می‌گیرند، دست و پایش را با طناب می‌بندند. دو هزار کیلومتر ایشان را با دست و پای بسته به کیپ‌تاون می‌آورند، می‌اندازند که حیوانات جنگلی او را بخورند! ۳ سال بعد همان‌هایی که این کار را کرده بودند، برای بازدید از کارهایشان به کیپ‌تاون می‌آیند، اما متحیرانه می‌بینند که شیخ محمدحسین غیب‌شاه، مدرسه و حوزه علمیه ساخته، مسجد ساخته و دیگر کار از کار گذشته و گروه زیادی در کیپ‌تاون به مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام گرایش پیدا کرده‌اند و بعد هم رحلت می‌کند. الان این منطقه، شیعیان باصفایی دارد، که نتایج همان مسئولیت جهانی‌کردن اسلام است.

۲/ میر سید علی همدانی

میر سید علی همدانی در قرن هفتم برای تبلیغ اسلام سفرهای دریایی و زمینی مختلفی انجام داد از جمله: حجاز و سایر نقاط عربستان، مشهد، اغلب شهرهای آسیای میانه، قفقاز، آذربایجان، سریلانکا، تبت، اما مهمترین اثر وی در کشمیر ثبت شده است.

وی دو بار به کشمیر سفر کرد و در محله‌ای بنام علاء الدین پوره در شهر سرینگر کنونی در کنار رودخانه جهلم مستقر شد. قطب الدین از سلسله شاهی بر آن منطقه حکومت می‌کرد. وی برای ساخت مدرسه دینی و کتابخانه‌ای در این منطقه اقدام کرد و هزاران نفر بدست وی به اسلام وارد شدند.

وی با انتقال هنرهای ایرانی همچون شالبافی، بافندگی، سفالگری و خوش‌نویسی به اقتصاد مردم فقیر آن دیار کمک کرد.

۳/ و... مانند شیخ احمد قمی در تایلند و ادریس بن حسن مثنی در مغرب

۳/ مقطع تاریخی

بی تردید و از یقین برآمده از تحقیق دانستنی است که فرصتی که در این مقطع از تاریخ متوجه روحانیت شیعه شده، در هیچ مقطعی فراهم نبوده است.

این سخن را، گفته‌ای سیاسی، تلقی نکنید، واقعیتی است که تاریخ گواه آن است.

یکی از مسائلی که پژوهش درباره آن ضروری است، مسئله حاکمیت و تبلیغ دین است، پرسش اصلی، عبارت از این است که آیا دولت، وظیفه تبلیغ دین دارد یا این وظیفه، به طور مستقیم متوجه او نیست و او باید زمینه تبلیغ دین را فراهم آورد؛ تا عالمان دین، به تبلیغ آن بپردازند. مثلاً سفیر زمینه سازی و رایزن فرهنگی تبلیغ کند.

از محورهای اصلی این بحث فرق گذاشتن بین سیاست دینی و دین سیاسی - دولت دینی و دین دولتی است.

مرحوم استاد شهید مطهری ره در اواخر عمر با برکتشان با کلید واژه «انقلاب اسلامی نه اسلام انقلابی» بر این مسئله تمرکز کرده بودند ولی دستان پلید ستمگران این استاد متفکر را از ما گرفت.

بهره ای که از مسئله «اغتنام فرصت» می بریم آن است که بدان به عنوان یک تکلیف بنگریم و حریم آن را پاس بداریم.

۴/ طلب توفیق اغتنام فرصت

آنچه در این میان مهم است درخواست و دعا از حق متعال است تا به ما توفیق بهره وری کامل از فرصت ها عنایت کند.

مرحوم آشیخ عبدالکریم حائری ره در کربلا مریضی سختی گرفت و از خداوند درخواست کرد که بدو فرصت خدمت بدهد و حق متعال هم توفیقی بزرگ به ایشان عنایت کرد و می بینید که خداوند به دست این مرد چه کرده است.

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.